



Analysis of why there is a difference in fatwas regarding covering hair outside the head area for women in prayer

Dr. Hamid Mozni Bistegani, 4th level student and high level lecturer of Qom seminary

PhD in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, University of Sistan and Baluchistan

Email: moazzeni62@gmail.com

Abstract

There are at least five opinions about the obligation to cover hair in prayer: 1. The explicit fatwa on the obligation to cover all hair. 2. Obligatory caution regarding hair covering; 3. Not having to cover the head; 4. Not having to cover hair privately. 5. The belief in differentiation and the need to specifically cover the hair in the area of the head.

This difference is due to the reflections that exist in the language of evidence related to prayer cover. Considering the lack of independent research in this field and the fact that it is discussed in scientific gatherings as well as among religious people, it seems necessary to present an independent research in order to analyze the existing evidence, to express the reflections on the evidence related to prayer cover, as well as the reason for the difference in the fatwas of the jurists in this context, the non-fatwa of some of them on the obligation to cover all hair in prayer should be revealed. The news indicating that whole body of woman is private-orah-, the report of the act of her majesty Zahra (pbuh), the report of Zorara from Imam Baqir (pbuh), the report of Ibn Abi Yafoor from Imam Sadiq (pbuh), the Islamic *sireh* (way of life), the consensus and the rule of *ishteghal*, are the most important evidences, but the only evidences for the obligation to cover hair.

Based on the findings of this descriptive-analytical research, all the proofs of the obligation to cover the hair outside the head area are debatable, and based on the assumption of a flaw in the application of the evidence of the obligation of prayer, by adhering to the principle of *bara'ah*, it is ruled that it is not obligatory to cover the hair outside the head area; Therefore, the fifth sentence seems to be valid.

Keywords: prayer cover, hair cover, hair outside the head, ladies' rulings, ladies' studies .



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۱ - زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۱۲ - ۱۹۵
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۲	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.68171.1029	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳
	نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل چرایی اختلاف فتوا در خصوص پوشاندن موی خارج از محدوده سر برای زن در نماز

دکتر حمید مؤذنی بیستگانی

دانش آموخته سطح ۴ و مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم
دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان
Email: moazzeni62@gmail.com

چکیده

در باره وجوب پوشاندن مو در نماز دست کم پنج دیدگاه وجود دارد: فتوای صریح به وجوب پوشاندن همه مو؛ احتیاط واجب در خصوص پوشاندن مو؛ عدم وجوب پوشاندن سر؛ عدم وجوب پوشاندن خصوص مو؛ قول به تفصیل و لزوم پوشاندن خصوص مو در محدوده سر. این اختلاف به سبب تأملاتی است که در لسان ادله مربوط به پوشش نمازی وجود دارد. نظر به فقدان پژوهش مستقل در این زمینه و مورد بحث بودن آن در مجامع علمی و نیز نزد عموم متدینان، ارائه پژوهشی مستقل ضروری به نظر می رسد ضمن واکاوی ادله موجود، تأملات پیرامون ادله مربوط به پوشش نمازی بیان شود، همچنین دلیل اختلاف فتوای فقها در این زمینه و عدم فتوای برخی از ایشان به وجوب پوشاندن همه مو در نماز آشکار شود. اخبار حاکی از عورت بودن تمام زن، گزارش فعل حضرت زهرا(س)، خبر زراره از امام باقر(ع)، خبر ابن ابی یعفور از امام صادق(ع)، سیره متشرعه، اجماع و قاعده اشتغال، مهمترین ادله، بلکه یگانه ادله بر وجوب پوشش موی سر به طور مطلق است.

بر پایه یافته های این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، همه ادله وجوب پوشش موی خارج از محدوده سر، درخور مناقشه است و بر فرض خدشه در اطلاق ادله وجوب نماز، با تمسک به اصل برائت، به عدم وجوب پوشاندن موی خارج از محدوده سر حکم می شود؛ از این رو قول پنجم اقوی به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: پوشش نماز، پوشش مو، موهای خارج از محدوده سر، احکام بانوان، مطالعات زنان.

مقدمه

حجاب حکمی شرعی است که کارکردهای فراوانی دارد و از مهمترین آن‌ها حفظ و حراست اجتماع و نیز کانون خانواده از آسیب‌های احتمالی است. اما این حکم آنگاه که درباره نماز مطرح می‌شود مسئله یکسانی پوشش زن در نماز هنگام خلوت با پوشش اجتماعی زن، ذهن آدمی را به خود معطوف و با پرسش مواجه می‌سازد؛ چراکه به نظر می‌رسد نماز در خلوت، از آسیب‌ها و مفسدات احتمالی ترک حجاب در اجتماع برخوردار نیست.

تأمل در کلمات فقها نیز حاکی از آن است که برخی چنین یکسانی و همانندی در حکم را نمی‌پذیرند و در بحث نماز، ادله بر وجوب پوشاندن تمام موها را کافی نمی‌دانند، بلکه مستفاد از ادله را صرفاً وجوب پوشاندن موهای در محدوده سر می‌دانند (نراقی، ۲۴۷/۴). مقصود از موهای داخل و خارج از محدوده سر با نظر در ادله وجوب پوشاندن سر آشکار خواهد شد. از آنجاکه در اخبار، رأس به عنوان متعلق موضوع ذکر شده و حکم به وجوب پوشاندن رأس شده است، موهای داخل محدوده بر موهایی اطلاق می‌شود که از نظر عرف، پوشش سر در گرو پوشاندن آن‌هاست. در مقابل، موهایی که پوشاندن پوست سر متوقف بر پوشاندن آن‌ها نیست، خارج از محدوده شمرده می‌شود.

ابن جنید از این نیز فراتر رفته و معتقد است: در جایی که زن در معرض دید نامحرم نیست، نماز خواندنش بدون پوشش سر اشکالی ندارد (اشتهاردی، مجموعه فتاوی ابن جنید، ۵). بنابراین، نه تنها موهای خارج از محدوده سر؛ بلکه پوشاندن موهای داخل محدوده نیز لازم نیست.

نتیجه چنین پژوهشی نه تنها ثمراتی را از نظر ترتب یا عدم ترتب پاره‌ای از آثار مدنی و کیفری دارد، از نظر کلامی نیز می‌تواند به دفع شبهاتی که ذهن دین‌داران و غیردین‌داران را درگیر می‌کند، کمک شایانی کند.

در این جستار، با پرداختن به تأملات پیرامون ادله مربوط به پوشش نمازی زن، به دنبال آشکارشدن چرایی اختلاف فتوا پیرامون پوشاندن موهای خارج از محدوده سر بر زنان هنگام نماز هستیم.

در نتیجه نظرافکندن در این تأملات، پاسخ این پرسش داده خواهد شد که آیا شارع بین پوششی که زن در خلوت است و در برابر هیچ ناظری قرار ندارد با پوششی که وی در برابر نامحرم و ناظر می‌بایست مراعات کند، هیچ تفاوتی را لحاظ نفرموده است و این حکم را صرفاً بر پایه پاره‌ای از امور تبدلی محض که عقل را یارای فهم آن نیست، مبتنی ساخته است؟

باتوجه به این مطلب می‌گوییم: در اینکه بر زنان واجب است که هنگام نماز پوشش داشته باشند، تردیدی نیست. درباره پوشش واجب، فقها معمولاً فرعی را به این شکل مطرح می‌سازند که پوشاندن تمام بدن بر زن لازم است، مگر وجه و کفین (شهید ثانی، الحاشیه الثانیة، ۴۸۰). بنابراین، پوشاندن تمام

اعضای بدن غیر از موارد استثنای واجب است. اما در این میان، چند عضو است که وجوب پوشاندن و کیفیت آن محل پرسش قرار گرفته است که عبارت‌اند از: قدمین، سر، گردن و مو که حکم آن‌ها محل اختلاف است.

در باره مو معمولاً دو پرسش را مطرح کرده‌اند: آیا دلیلی بر وجوب پوشاندن مو در نماز وجود دارد؟ اگر دلیلی بر وجوب پوشاندن مو وجود دارد، آیا پوشش دادن تمام موها واجب است، حتی موهایی که از محدوده سر خارج است؟

در این جستار، ضمن بررسی ادله و پاسخ به دو پرسش اول، مقدمه‌ای فراهم آورده می‌شود تا پرسش سومی پاسخ داده شود و آن اینکه آیا حد واجب در پوشش زن، محدوده یکسانی است که شارع هیچ تفاوتی را لحاظ نمی‌کند میان پوشش زن در اجتماع که در برابر دید نامحرم قرار می‌گیرد با پوشش زن در خلوت، آنگاه که صرفاً در مقام مناجات و نماز در برابر پروردگار است؟

این نوشتار به منظور بیان تأملات موجود در ادله خاصه مربوط به این عرصه است که در این باره به هیچ تحقیق مستقلی دست نیافتیم. بنابراین، پیشینه این پژوهش صرفاً آرا و فتاوی استدلالی فقهای عظام در کتب فقهی است که از دیرباز به طرح و بررسی این مسئله پرداخته‌اند. البته این مسئله به شکلی مجمل توسط احمد قابل در کتاب احکام بانوان در شریعت محمدی (۵۷ تا ۸۲) بحث شده است. ایشان کوشیده است تا از آنچه مربوط به پوشش نمازی است با وحدت ملاک، حکم پوشش در برابر نگاه نامحرم را نیز ثابت کند. وجه تمایز این پژوهش با آنچه وی به نگارش در آورده، یکی مبسوط و گسترده‌گی جهات پژوهش و دیگری، استدلالی و تحلیلی بودن پژوهش حاضر است. ضمن اینکه متمرکز بر ادله مربوط به ستر صلاتی است، بی‌آنکه از حکم ستر صلاتی در پی حکم پوشش زن در برابر نگاه نامحرم در خارج از نماز باشد.

۱. دیدگاه فقها

در ابتدا اشاره‌ای اجمالی به برخی اقوال و دیدگاه‌های موجود در این باره خواهیم کرد.

أ. وجوب پوشش مو: قائلان به وجوب پوشش مو در نماز بر دو قسم‌اند:

۱. مطلق‌انگاران وجوب پوشش بدن به جز وجه و کفین: غالب فقها تا قرن سیزدهم سخنی از بحث وجوب پوشش مو به میان نیاورده‌اند (موسوی عاملی، ۱۸۹/۳؛ محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۲/۲۳۷؛ همو، کفایة الاحکام، ۱/۸۱) و در این مقام، پس از بیان وجوب پوشاندن تمام بدن بر زن، صرفاً وجه و کفین را استثنا کرده‌اند. علامه حلی پس از طرح این مسئله که بدن زن بالغ آزاده عورت است، تنها سخن از استثنای وجه و کفین به میان می‌آورد (۴/۲۷۱ تا ۲۷۲).

البته این مطلق‌گویی به دو گونه تفسیر شده است: اول، عبدالاعلی سبزواری، متعرض نشدن اکثر فقها در خصوص این مسئله را ناشی از مفروغ‌نشدن بودن وجوب پوشش موی یا اکتفا به حکم پوشش سر در مقام بیان حکم پوشش موی می‌داند (۲۴۷/۵). آقارضا همدانی نیز گمان قوی را بر این می‌داند که متعرض نشدن به بحث وجوب پوشاندن موی بر این مبنا بوده که موی را جزء جسد می‌دانسته‌اند، وگرنه به منظور دفع توهم می‌بایست به عدم وجوب پوشش موی تصریح می‌کردند (۳۹۳/۱۰)؛ دوم، صاحب مدارک آن را ظاهر در عدم وجوب پوشاندن موی سر دانسته است، به این دلیل که وقتی به طور مطلق وجوب ستر جسد [بدن] به میان می‌آید، موی جزء بدن به شمار نمی‌آید (موسوی عاملی، ۱۸۹/۳). محقق سبزواری نیز در مقام تفسیر اطلاق‌گویی فقها و متعرض نشدن ایشان راجع به حکم پوشش موی، عباراتی عین عبارات صاحب مدارک دارد (ذخیره المعاد، ۲۳۷/۲).

۲. تصریح به وجوب پوشش موی: برخی از فقها صریحاً پیرامون وجوب پوشش موی در نماز بحث کرده و رأی به وجوب پوشش داده‌اند (محقق کرکی، ۹۷/۲؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ۵۲۵/۱). شهید اول در ذکری در وجوب پوشش تردید کرده و در نهایت وجوب را اقرب دانسته است (۱۲ تا ۱۱/۳).

ب. احتیاط واجب در خصوص پوشش: برخی از فقها پوشش موی در نماز را بنا بر احتیاط بر زنان واجب می‌دانند. مجلسی دوم پس از اشاره به عدم تعرض اکثر فقها در خصوص مسئله پوشش موی، وجوب آن را احوط می‌داند (مجلسی، محمد باقر، ۱۸۰/۸۰). سید محمد سعید حکیم پوشش موی را حتی آن‌ها که به اطراف ریخته است، بنا بر احتیاط واجب می‌داند (۴۳).

ج. عدم وجوب پوشش موی: قائلان به عدم وجوب پوشش موی را نیز می‌توان بر دو قسم دانست؛ ۱. حکم به عدم وجوب پوشش سر: ابن جنید معتقد است در جایی که زن در معرض دید نامحرم نیست، نماز خواندن بدون پوشش سر اشکالی ندارد (اشتهاردی، مجموعه فتاوی ابن جنید، ۵۱)؛ ۲. تصریح به عدم وجوب پوشش موی: از قاضی حکایت شده است که وی به بعضی از اصحاب نسبت می‌دهد که پوشاندن موی را واجب نمی‌دانستند (فاضل هندی، ۲۳۹/۳).

د. قول به تفصیل: ملا احمد نراقی بین موهایی که روی سر قرار دارد و موهایی که از محدوده سر خارج و به پایین ریخته است، تفصیل قائل می‌شود و پوشش موهای دسته دوم را واجب نمی‌داند. ایشان پس از تصریح به عدم وجوب پوشاندن موی می‌نویسد: مراد از مویی که پوشاندن آن واجب نیست، موهای خارج از محدوده سر که بر چهره ریخته و امثال آن است. اما وجوب پوشاندن موهایی که بر روی سر قرار دارد، محل اجماع فقهاست و البته اخبار هم بر آن دلالت دارد (۲۴۷/۴).

آیت‌الله بروجردی نیز همین تفصیل را قائل می‌شود و ظاهر اخبار را در وجوب ستر موهای قسم اول

می‌داند اما راجع به موهای قسم دوم، حکم وجوب را محل تأمل می‌داند و پوشاندن آن‌ها را بنا بر احتیاط، واجب می‌داند (تقریر بحث السید البروجردی، ۷۲/۱).

صاحب مفتاح الکرامه مو را از اجزای سر می‌داند؛ در نتیجه آن را مشمول اجماعیات منقول مبنی بر وجوب پوشش سر می‌داند، لکن راجع به موهای بلندی که از محدوده سر تجاوز کرده است صریحاً فتوا نمی‌دهد، بلکه پوشش را بنا بر احتیاط، واجب می‌داند (نک: حسینی عاملی، ۳۱/۶).

۲. ادله قائلان به وجوب پوشش مو

۲.۱. اخبار حاکی از عورت بودن تمام زن

اولین دلیل حکم به وجوب پوشش مو اخباری است که زن را به شکل کامل، عورت معرفی کرده است. این اخبار عبارت‌اند از:

خبر اول: امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی علی بن ابیطالب (ع) بر حضرت فاطمه (س) وارد شدند در حالی که حزن شدیدی داشتند. حضرت فاطمه فرمودند: یا علی! این چه حزنی است؟ علی (ع) پاسخ دادند که پیامبر (ص) راجع به زن پرسیدند و ما هم جواب دادیم که زن، عورت است. سپس ایشان پرسیدند: چه زمانی زن به پروردگار خود نزدیکتر است که ما پاسخ را ندانستیم. فاطمه (س) به علی (ع) فرمودند: به نزد پیامبر برو و در پاسخ بگو زمانی به پروردگارش نزدیکتر است که ملازم کنج خانه باشد. ایشان نیز نزد رسول الله رفتند و پاسخ حضرت فاطمه را ارائه کردند. حضرت فرمودند: فاطمه پاره‌ای از من است (راوندی کاشانی، ۱۴).

بسیاری از فقها با تمسک به اخبار عورت بودن زن، حکم به وجوب پوشش تمام بدن وی می‌کنند، به جز مواردی که دلیل قطعی بر استثنای آن وجود دارد (علامه حلی، ۲۷۱/۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۹۷/۲؛ صاحب جواهر، ۶۰).

خبر دوم: مطابق موثقه مسعدة بن صدقه، امیرالمؤمنین فرمودند: (به زنان ابتدا به سلام نکنید و آنان را بر سفره‌ای مخوانید که پیامبر فرمودند: زنان، ناتوان و عورت هستند. ناتوانی آنان را با سکوت و عورت بودن آنان را با بیوت، مخفی سازید) (کلینی، ۵۳۵/۵).

بسیاری از فقها سخن از عورت بودن تمام زن به میان آورده‌اند (طوسی، الخلاف، ۳۹۳/۱) و به استناد آن، پوشاندن تمام بدن را مگر آنچه دلیل خاص بر استثنای آن باشد، واجب می‌دانند (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۹۷/۲؛ محقق کرکی، ۲۱۷).

ارزیابی دلیل اول: تنها اخباری که صریحاً زن را عورت معرفی می‌کند، دو خبر مذکور است که

دلالت آن‌ها بر وجوب پوشش جمیع بدن، نه در حد نص که در حد ظهور هم نیست؛ زیرا چه بسا مقصود بیان فضیلتی اخلاقی برای زن مبنی بر شایستگی محفوظ و مستور بودن باشد. به عبارت دیگر، عورت یک معنای عام لغوی دارد که به معنای هر چیزی است که مراقبت از آن سزاوار است (ابن فارس، ۱۸۵/۴) و لفظ عورت در آیه شریفه «يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ» (احزاب: ۱۳) نیز به همین مناسبت به کار برده شده است. در خبر محل بحث نیز محتمل است که زن به همین معنای عام لغوی، عورت دانسته شده است؛ لذا دلالت آن بر عورت به معنای مصطلح فقهی بودن محرز نیست.

چه بسا اطلاق لفظ عورت بر بدن زن همانند اطلاق لفظ عورت بر بیوت و به اعتبار معنای لغوی آن باشد. گویا به همین سبب است که شارح استبصار علی‌رغم وجود دو خبر مذکور می‌نویسد: «بارها گفته‌ام که در میان اخبار، دلیل درخور اعتمادی بر عورت بودن بدن زن وجود ندارد» (عاملی، ۳۰۱/۶).

تأملی در نقد محدث بحرانی بر صاحب مدارک: صاحب مدارک معتقد است که تمسک به خبر مذکور اگر به سبب اثبات وجوب پوشش بدن از ناظر محترم باشد پذیرفتنی است، لکن اگر مقصود اثبات وجوب پوشش در نماز باشد، دلیلی بر آن نداریم (موسوی عاملی، ۱۸۹/۳).

محدث بحرانی به صاحب مدارک اشکال می‌کند که ظاهر اخبار و کلام اصحاب آن است که میان وجوب پوشش از ناظر محترم و پوشش در نماز تلازم وجود دارد؛ زیرا حکم هر دو دایر مدار عورت بودن است (بحرانی، ۱۱/۷).

وجه تأمل از آن روست که به نظر می‌رسد این اشکال محدث بحرانی وارد نباشد؛ زیرا اولاً، اشکال بحرانی بر صاحب مدارک علی‌المبنا خواهد بود؛ چراکه اردبیلی آن‌چنان که در ادامه اشاره خواهد شد اساساً تلازم بین ستر صلاتی و غیرصلاتی را قبول ندارد و برخی از حدود پوشش را که در غیر نماز، واجب است، در نماز واجب نمی‌داند؛ ثانیاً، تلازم بر فرض وجود در جایی است که واژه عورت به معنای خاص استعمال شده باشد، در حالی که خبر مذکور نه تنها ظهور در عورت بودن تمام زن به معنای خاص ندارد، بلکه بعید نیست استعمال آن در معنای اعم لغوی؛ یعنی شیء ینبغی مراقبته، درخور استظهار باشد. نظر به همین مطلب، آقارضا همدانی کنار هم نهادن دو مقدمه عورت بودن زن و وجوب ستر عورت در نماز را برای حکم به لزوم پوشش تمام بدن ناتمام می‌داند. وجه ناتمام بودن از منظر وی این است که صرف اطلاق عرفی یا شرعی واژه عورت بر زن به برخی اعتبارات مصحح اینکه زن مصداق حقیقی عورت به تمامی اعتبارات باشد، نخواهد بود. بر فرض که مصحح اطلاق شود، لیکن نص و اجماعی که دلالت بر وجوب ستر عورت می‌کنند، انصراف به عورت بالمعنی الاخص دارند (همدانی، ۳۸۲/۱۰).

استدلال علامه: علامه حلی کوشیده است عورت بالمعنی الاخص بودن تمام بدن زن را ثابت کند.

استدلال وی این است که نگاه به هر جزء از بدن زن متعلق شهوت است؛ پس تمام اجزای بدنش شبه عورت خواهد بود (۲۷۱/۴).

نقد علامه: استدلال مذکور مستقل از ادله نقلی دیگر نمی‌تواند عورت بالمعنی الاخص بودن را ثابت کند؛ زیرا دلیلی نداریم که هرچه سبب برانگیخته شدن شهوت شود، از نظر لغوی یا اصطلاحی عورت بالمعنی الاخص باشد. عکس آن نیز ثابت نیست که عورت بالمعنی الاخص که موضوع وجوب پوشش است الزاماً سبب برانگیخته شدن شهوت شود. اهل لغت در تفسیر عورت بالمعنی الاخص می‌گویند: العَوْرَةُ سَوَاءُ الْإِنْسَانِ؛ عورت، زشتی انسان را گویند که ریشه آن از عار است؛ چراکه به نمایش گذاشتن آن سبب عار و مذمت است (راغب اصفهانی، ۵۹۵)؛ بنابراین، بر فرض که تمام اجزای بدن زن سبب برانگیخته شدن شهوت شود، لکن دلیلی نداریم که عورت اصطلاحی که موضوع وجوب ستر قرار گرفته است، عورت به این معنا باشد.

مؤید مطلب اینکه اگر هرآنچه سبب برانگیخته شدن شهوت شود عورت یا شبه عورت و لازم‌الستر باشد، می‌بایست همین سخن درباره پوشاندن سر و گردن کنیز هم گفته شود؛ چراکه کنیز هم باید عورت خود را بپوشاند، درحالی‌که بر وی پوشاندن سر در نماز واجب نیست (شهید اول، ۳۵). محقق حلی بر این مطلب ادعای اجماع کرده است (۱۰۳/۲). البته این مطلب را صرفاً به عنوان مؤید برشمردیم؛ زیرا ممکن است گفته شود ادله نقلی مبنی بر عدم لزوم پوشش سر و گردن در کنیز، مخصص ادله لزوم ستر عورت است. بنابراین، به رغم این‌که سر و گردن مصداق عورت است، لیکن حکماً تخصیص خورده است.

در ضمن اگر اخبار، پوشش موی سر را واجب کرده است به دلیل عورت بودن آن نیست؛ زیرا امکان اینکه موی سر عورت نباشد اما پوشاندنش واجب باشد، وجود دارد (نراقی، ۲۴۷/۴). بر فرض این‌که موی سر عورت باشد، این امکان وجود دارد که بگوییم عورت شامل موهایی است که به اطراف ریخته نمی‌شود (همان).

۲.۲. استناد به فعل حضرت زهرا(س)

دومین دلیل بر وجوب پوشش مو خیر فضیل از امام باقر(ع) است با این محتوا که: «صَلَّتْ فَاطِمَةُ(ع) فِي دَرْعٍ وَ خِمَارِهَا عَلَى رَأْسِهَا - لَيْسَ عَلَيْهَا أَكْثَرُ مِمَّا وَارَتْ بِهِ شَعْرَهَا وَ أَذُنَيْهَا»؛ حضرت فاطمه(س) با پیراهن نماز خواندند و خمار [روسری] بر سر داشتند. ایشان چیزی که افزون بر مو و گوش‌ها را بپوشاند نداشتند (ابن بابویه، ۲۵۷/۱).

مجلسی اول پس از بیان حدیث مذکور می‌نویسد: «ظاهر استشهاد امام باقر به فعل حضرت زهرا(س) آن است که بر زن پوشیدن لباس و روسری که تمام بدن و مو را بپوشاند واجب است...». از این خبر،

وجوب پوشاندن مو فهمیده می‌شود (مجلسی، محمد تقی، ۱۴۵/۲).

ارزیابی دلیل دوم: قبل از هر چیز باید یادآور این نکته شویم که خبر مذکور نه تنها صراحت در صدور فعل حضرت زهرا از باب اضطرار ندارد، بلکه اشعار به این مطلب هم ندارد (همدانی، ۳۹۴/۱۰)؛ بنابراین وجهی برای حمل آن بر اضطرار باقی نمی‌ماند. اما در مقام ارزیابی به نظر می‌رسد که تمسک به حدیث مذکور برای اثبات وجوب پوشش مو در مقام دلالت دو اشکال دارد:

۱. خبر مذکور صرفاً گزارش از فعل حضرت زهراست و فعل معصوم مجرد از قرینه، دلالت بر وجوب و استحباب ندارد (مظفر، ۶۳/۲). بله، منکر نمی‌شویم که نحوه گزارش امام باقر از فعل صدیقه طاهره بر اهمیت پوشاندن مو دلالت دارد، لکن این دلالت می‌تواند در حد بیان استحباب مؤکد باشد که البته شأن حضرت زهرا (س) اقتضا می‌کند که با پوششی اقل از این مراتب، نماز نگذارد. با وجود چنین احتمالاتی دلالت آیه بر وجوب پوشاندن مو محرز نیست و به تعبیر صاحب مدارک، فارغ از بحث سنندی، اساساً خبر مذکور دلالت بر وجوب ندارد (موسوی عاملی، ۱۹۰/۳).

۲. سبزواری در مقام نقد دلالت حدیث مذکور بر وجوب پوشش مو ابراز می‌دارد که گزارش مذکور در مقام بیان وجوب پوشش مو نیست، بلکه ظاهراً امام در مقام دفع وجوب پوشش لباس‌های بلندی هستند که در آن عصر معصوم بوده است (۲۴۶/۵). بنابراین، گویا از امام راجع به لزوم مراعات حجاب و پوشش حداکثری در نماز پرسیده می‌شود که امام استشهد به فعل حضرت زهرا می‌کند که ایشان در مواردی حجاب حداکثری را مراعات نمی‌کردند. اما اینکه آیا مراعات این مرتبه از حجاب که مو و گوش‌ها را پوشش می‌داده به نحو وجوبی یا استحبابی است که تنزل از آن در شأن بانویی چون صدیقه طاهره نباشد از خبر مذکور دانسته نمی‌شود.

ادعای صاحب‌جواهر: صاحب‌جواهر حدیث مذکور را دال بر پوشاندن موهای پیرامونی توسط حضرت زهرا می‌داند؛ با این استدلال که روسری آن حضرت مانند روسری‌های متعارف بوده که موهای ریخته‌شده در اطراف کتف و گردن را نیز پوشش می‌داده، نه اینکه ایشان تمام موهای خود را زیر روسری جمع می‌کرده است (کاشف الغطاء، ۱۶۷/۸).

نقد ادعای صاحب‌جواهر: ادعای مذکور بدون دلیل است و قرینه‌ای بر اثبات آن وجود ندارد، بلکه چه بسا بتوان قرینه و شاهی از متن خبر برخلاف آن اقامه کرد. بعید نیست که بتوان ذیل خبر را شاهی بر عدم پوشش موهای پیرامونی دانست؛ به این بیان که امام پس از بیان اینکه حضرت فاطمه (س) با پیراهن نماز خواندند و خمار [روسری] بر سر داشتند، ادامه می‌دهند که ایشان چیزی افزون بر اینکه مو و گوش‌ها را بپوشاند، نداشتند (ابن بابویه، ۲۵۷/۱). با وجود صدر خبر نیازی به ذیل آن نبود؛ چراکه وقتی حضرت

فقط پیراهن و روسری داشته باشند، آشکار است که افزون بر مو و گوش ایشان پوشش داده نمی‌شود؛ بنابراین، درباره این خبر دو احتمال می‌رود: ۱. ذیل خبر تأکید صدر آن باشد و در مقام تصریح به انحصار بفرماید که بیش از خماری که مو و دو گوش را بپوشاند، نداشته‌اند؛ ۲. امام در مقام بیان کوچکی خمار هستند تا بگویند روسری حضرت زهرا(س) مانند روسری‌های متعارف آن چنان بلند نبوده که موهای ریخته‌شده را هم بپوشاند (همدانی، ۱۰/۳۹۴). با توجه به اینکه اصل در کلام عدم تأکید است، احتمال دوم تقویت می‌شود؛ لذا می‌توان ذیل خبر مذکور را شاهدهی بر نپوشاندن موهای ریخته‌شده توسط حضرت زهرا دانست.

بنابراین، خبر مذکور ظهور در وجوب پوشش مو ندارد. بر فرض این که ظهور در وجوب پوشاندن مو داشته باشد، لیکن دلالتی بر پوشاندن موهایی که از اطراف سر به اطراف ریخته ندارد.

۳.۲. خبر زراره از امام باقر

سومین دلیل بر وجوب پوشش کامل موها در نماز، خبر زراره است که گوید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ أَدْنَى مَا تُصَلِّي فِيهِ الْمَرْأَةُ قَالَ دِرْعٌ وَ مِلْحَفَةٌ فَتَشْتُرُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ تَجَلَّلُ بِهَا»؛ از امام باقر(ع) راجع به کمترین مقدار پوشش زن در نماز پرسیدم. حضرت فرمودند: پیراهن و ملحفه‌ای که بر سر افکنند و با آن پوشیده شود (حر عاملی، ۴/۴۰۷).

در مقام استدلال به حدیث مذکور بر وجوب پوشش مو گفته شده است: «ملحفه لباس بلندی است که بر روی لباس‌های دیگر افکنده می‌شود» (طباطبایی قمی، ۴/۱۹۸) و از سر تا پا را در بر می‌گیرد (صاحب جواهر، ۶۱) که امام امر به گستراندن و افکندن ملحفه بر سر فرموده است. بی‌شک، چنین پوششی مورا در بر می‌گیرد؛ از این رو، وجوب پوشش موهای بلند هم ثابت می‌شود (طباطبایی قمی، ۴/۱۹۸).

ارزیابی دلیل سوم: «مقتضای جمع بین این دلیل و دلیل سابق که امام طی گزارش فعل حضرت زهرا پوشیدن خمار [روسی] را کافی دانست، آن است که افکندن ملحفه به این شکل گسترده واجب نیست، بلکه صرف خمار کافی است» (نک: عاملی، ۶/۲۹۹)، لذا شیخ طوسی پس از نقل صحیحه جمیل بن دراج که از امام صادق(ع) راجع به زنی می‌پرسد که در پیراهن و خمار نماز می‌گذارد، اما امام می‌فرماید: «ملحفه‌ای هم بر روی آن‌ها بیندازد»، حکم به افکندن ملحفه را حمل بر استحباب و زیادت فضل و ثواب می‌کند (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲/۲۱۹).

شاید این پرسش مطرح شود که چرا امام از ملحفه که چنین شکل گسترده‌ای دارد به عنوان حجاب و پوشش حداقلی یاد فرمود؟ در پاسخ می‌گوییم: حداقلی بودن آن به لحاظ تعداد پوشش است نه حجم آن. به عبارت دیگر، امام در مقام بیان این است که لازم نیست زن مسلمان سه پوشش؛ یعنی پیراهن و روسری و

ملحفه یا ازار را در هر نماز خود داشته باشد، بلکه صرفاً اگر ملحفه‌ای بر روی خود بپفکند و به نماز بایستد کافی است (نک: عاملی، ۲۹۹/۶).

ضمناً مفاد خیر فضیل در صحیحہ محمدین مسلم نیز آمده است که امام می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمِقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا»؛ زن می‌تواند در پیراهن و مقنعه نماز بگذارد، اگر پیراهن ضخیم باشد (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۱۷/۲). لذا مفاد خبر مذکور تقویت می‌شود و وجهی برای وجوب افکندن ملحفه باقی نمی‌ماند (نک: عاملی، ۲۹۹/۶).^۱

همچنان وجوب تحصیل پوششی افزون بر خمار ثابت نشده است. آنگاه با ضمیمه این مقدمه که کیفیت خمار در آن عصر و نیز میزان پوششی که به سبب خمار حاصل می‌شده برای ما معلوم نیست (بروجردی، تقریر بحث السید البروجردی، ۷۲/۱)، دانسته می‌شود که خبر مذکور نهایتاً دلالت بر وجوب پوشش مو دارد؛ به این ادعا که مو عرفاً بلکه لغتاً جزئی از سر است (اشتهدادی، مدارک العروة، ۲۴۲/۴) و وقتی به حکم اخبار مذکور پوشاندن سر واجب می‌شود، شامل پوشاندن موی سر هم می‌شود، لکن وجوب پوشاندن سر دال بر وجوب پوشاندن جمیع موها نیست؛ زیرا اولاً، با چشم‌پوشی از اینکه برخی معتقدند عدم جزئیت مو در خصوص سر آشکار است (خویی، ۱۵۸)، این احتمال بعید نیست که غرض شارع به پوشاندن تمام موها تعلق نگرفته، بلکه صرفاً به اصل حصول تمایز بین حرّ و کنیز تعلق گرفته باشد؛ لذا می‌بینیم درباره کنیز اصلاً پوشاندن موها را واجب نکرده است (شهید اول، ۳۵؛ محقق حلی، ۱۰۳/۲). شاید وجه اینکه در صحیحہ محمدین مسلم، امام صادق (ع) از بین پیراهن و مقنعه، تنها پیراهن را مقید به ضخیم بودن کرده‌اند همین باشد که غرض از افکندن مقنعه، پوشش دادن تمام موی سر نیست، بلکه صرفاً تمییز بین زنان آزاده و کنیز است. متن حدیث چنین است که «الْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمِقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا»؛ زن می‌تواند در پیراهن و مقنعه نماز بخواند، اگر پیراهن ضخیم باشد (طوسی، الخلاف، ۲۱۷/۲). می‌نگریم که امام صرفاً درع را که به معنای پیراهن است مقید به ضخیم بودن فرموده است.^۲ ثانیاً، «این احتمال می‌رود موهایی که به اطراف سر ریخته خارج از مفهوم رأس باشد» (فاضل هندی، ۲۳۹/۳). «بله، اگر پوشاندن سر به وسیله ملحفه واجب بود، دلالت بر وجوب پوشش تمام موها می‌کرد حتی موهایی که به اطراف ریخته شده است، لیکن کسی قائل به وجوب افکندن ملحفه بر سر

۱. اگر اشکال شود که چرا لزوم ملحفه نتواند روایت مقنعه را تفسیر کند؟ در پاسخ می‌گوییم: به دلیل لزوم رجوع به برانت در شبهات حکمیه جوییه و نیز نظر به اینکه در فرض تفسیر مقنعه به ملحفه می‌بایست فعل حضرت زهرا را حمل بر ضرورت کرد که اصل، عدم حمل خبر بر ضرورت است.
۲. بنابراین، چنانچه بتوان قید مذکور را قرینه بر عدم لزوم ضخیم‌بودن مقنعه دانست، این احتمال تقویت می‌شود که مقصود از ستر صرفاً افکندن مقنعه بر روی سر باشد، گرچه به مخفی ماندن و دیده‌نشدن آن‌ها نینجامد.

نیست. بنابراین، چیزی افزون از وجوب پوشاندن سر از این حدیث فهمیده نمی‌شود. پوشش سر اخص از پوشش تمام موهاست» (سبزواری، ۲۴۶/۵).

۴.۲. خبر ابن ابی‌یعفور از امام صادق(ع)

چهارمین دلیل بر وجوب پوشش کامل موها در نماز، خبر ابن ابی‌یعفور از امام صادق(ع) است که می‌گوید ایشان فرمودند: «تَصَلَّى الْمَرْأَةُ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ إِزَارٍ وَ دِرْعٍ وَ خِمَارٍ وَ لَا يَصْرُهَا بِأَنَّ تَقَنَّعَ بِالْخِمَارِ»؛ زن در سه لباس نماز بگذارد؛ ازار و درع و خمار. اشکالی ندارد که با خمار، خود را بپوشاند (طوسی، الاستبصار، ۳۸۹/۱).

طی روایتی دیگر، عبدالرحمن بن حجاج از امام کاظم(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «لا ینبغی للمرأة أَنْ تَصَلَّى إِلَّا فِي ثَوْبَيْنِ»؛ سزوار نیست که زن نماز بگذارد مگر در دو لباس. (همو، تهذیب الاحکام، ۲۱۷/۲).

محقق نائینی مدعی می‌شود که: «اگر دو لباس در کار باشد، یکی اعضای پایین و دیگری اعضای بالا را پوشش می‌دهد؛ در نتیجه پوشش تمام بدن غیر از وجه و کفین و قدمین رخ می‌دهد... بنابراین الحاق برخی حدود مو به وجه، بدون دلیل است. افزون بر اینکه، متعارف هنگام پوشیدن دو لباس، پوشیده‌شدن موها نیز است» (کتاب الصلاة، ۳۸۴/۱).

ارزیابی دلیل چهارم: به نظر می‌رسد استفاده اصل وجوب پوشش مو از این دسته اخبار ممکن باشد. بنابراین، اصل وجوب پوشش مو را می‌توان به استناد این اخبار ثابت کرد، لکن این ادعا که اخبار مذکور دلالت بر وجوب پوشاندن موهای بلند که به اطراف سر ریخته شده است نیز دارند اولاً، ادعای محض و بدون دلیل است؛ ثانیاً، مردود بودن آن از مطالب گذشته دانسته می‌شود، زیرا با وجود خبر فضیل و دلالت آن بر وجوب پوششی حداقلی یا به عبارت دیگر، عدم دلالت آن بر وجوب پوشش حداکثری، جایی برای تمسک به این ادله باقی نمی‌ماند.

البته همان طور که قبلاً گذشت طی صحیحۀ محمد بن مسلم، امام فرمودند: «زن می‌تواند در پیراهن و مقنعه نماز بگذارد، اگر پیراهن ضخیم باشد» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۱۷/۲) و از بین پیراهن و مقنعه، تنها مقنعه را مقید به قید ستیر و پوشاننده بودن فرمودند. نظر به این صحیحۀ می‌توان گفت: حتی اخباری که سخن از خمار و افکندن پوشش بر سر به میان آورده‌اند حاکی از تعلق غرض شارع به مستور بودن تمام مو و دیده‌نشدن آن‌ها نیست، بلکه نفس افکندن خمار بر سر مطلوبیت دارد، گرچه پوشانندگی و پنهان‌سازی تمام موها را به دنبال نداشته باشد. عقل آدمیان قادر به درک اغراض شارع در تعبدیات نیست، لکن می‌توان احتمال داد که غرض شارع از افکندن خمار، تمییز دادن میان زن آزاده و کنیز باشد؛ لذا می‌نگریم که شارع

مقدس پوشاندن موها را بر کنیزان واجب نکرده است، بلکه مطابق برخی اخبار از پوشاندن موی سر نهی شده‌اند. در خبر عبدالرحمن بن حجاج آمده که «لیس علی الإمام أن یتقنعن فی الصلاة»؛ کنیزان حق ندارند که هنگام نماز مقنعه داشته باشند (همو، الاستبصار، ۳۸۹/۱).

آیت الله بروجردی صحیح‌های دیگر از محمدبن مسلم را نقل می‌کند که امام فرمودند: «المرأة تصلی فی الدرع و المقنعة إذا کان کثیفاً»؛ زن با پیراهن و روسری نماز می‌خواند، اگر مانع دید باشد (ابن بابویه، ۳۷۲/۱). با توجه به مستربودن اسم «کان»، ایشان دو احتمال ذکر می‌کند: ۱. «کان» با توجه به مفرد مذکور بودنش تنها به «درع» بر گردد؛ ۲. به هر دوی «درع» و «مقنعه» برگردد؛ در نتیجه ستیر و مانع از دید بودن در هر دو شرط خواهد بود. ایشان بعید نمی‌داند که احتمال دوم اقوی باشد؛ زیرا چنین شیوه استعمالاتی شیوع و رواج دارد. ضمناً بعید نمی‌داند که هر دو صحیح، خبری از محمدبن مسلم است که با اختلاف به ما رسیده است. در نهایت، تمسک به صحیح اول را که تنها درع را مقید به کثیف کرده است برای اثبات شرطیت نداشتن ستیر و مانع از دید بودن مقنعه توهم می‌داند؛ زیرا وقتی هر دو صحیح یک خبر باشند که با اختلاف به ما رسیده‌اند، سبب سلب اعتماد از هر دو می‌شود (تبیان الصلاة، ۲۷۹/۳).

به نظر می‌رسد اشکالی به بیان ایشان وارد باشد؛ زیرا اتفاقاً وقتی دو خبر را یکی بدانیم و در مرجع ضمیر «کان» تردید کنیم می‌توان از صحیح دیگر به عنوان قرینه بر مراد کمک گرفت. بلی، در صورتی که در یکی اسم کان «درع» و در دیگری «مقنعه» بود، جای این سخن بود که بگوییم صحیح به اجمال کشیده شده است، لیکن در جایی که یک خبر ساکت است، بلکه نظر به مفرد مذکور بودن «کان» ظهور در رجوع به درع دارد و خبر دیگر، ناطق و مبین اسم کان است، وجهی برای قول به اجمال باقی نمی‌ماند.

۲. ۵. سیره متشرعه

پنجمین دلیل بر وجوب پوشش تمام موها در نماز، تمسک به سیره زنان متشرعه است (نک: سبزواری، ۲۴۶/۵). تردیدی نیست که زنان متشرعه در تمام ادوار، اهتمام بر پوشاندن موهای خود در نماز داشته‌اند. «وقتی علم به استمرار سیره تا زمان معصوم داشته باشیم، به رضایت صاحب شریعت به آن سیره پی می‌بریم؛ زیرا جداً بعید بلکه عادتاً محال است که مسلمانان از پیش خودشان بر چنین سیره و روشی اتفاق پیدا کرده باشند و هیچ امر و دستوری از ناحیه شارع در این رابطه به آنان نرسیده باشد. بر فرض که به دستور شارع نباشد، لا اقل باید بگوییم که شارع به سیره آنان رضایت داشته است وگرنه از آن نهی می‌کرد تا حق را اظهار و باطل را محو کند» (نائینی، ۱۹۲/۳)؛ از این رو گفته می‌شود که «سیره متشرعه زائیده بیان شرعی است» (صدر، ۲۴۷/۴).

ارزیابی دلیل پنجم: به منظور نقد تمسک به سیره متشرعه باید گفته شود: انقلاب سیره امر بعیدی

نیست؛ زیرا اولاً، انقلاب سیره اگر در نصف روزی رخ دهد امر غریبی است، لکن اگر به تدریج حاصل شود کاملاً عادی و متعارف است؛ مثلاً فرض کنیم سیره متشرعه در عصر معصوم بر این بوده که جهر در نماز جمعه را وجوباً به صورت جهر بخوانند و خبری هم از امام برسد که ظهور در عدم وجوب داشته باشد، لکن ظاهر آن مراد امام نباشد. پس از آنکه مدتی بر آن سیره گذشت یکی از علما خبری را که دال بر عدم وجوب است می‌بیند و می‌گوید که سیره متشرعه بر جهر دلالت بر وجوب ندارد، زیرا با استحباب هم سازگار است و بدین ترتیب فتوا به جواز اخفات می‌دهد و مقلدان او هم به تبعیت از وی می‌پردازند و جمع کثیری از مقلدان، نماز را اخفاتی می‌خوانند؛ خواه به سبب آسان‌بودنش یا به سبب اینکه بالاخره مخیر بین جهر و اخفات هستند و می‌توانند اخفات را اختیار کنند یا به هر انگیزه اتقاقی و غیراتقاقی دیگری. کم‌کم کسانی که نماز ظهر جمعه را از سر تقلید یا از سر اجتهاد، اخفاتی می‌خوانند فزونی می‌یابند. پس از گذشت دوره زمانی، یکی از علما از جمع بین اخبار، عدم استحباب جهر را استفاده می‌کند و فتوا به تخییر بین جهر و اخفات می‌دهد و به این سبب باز بر تعداد کسانی که نماز ظهر را اخفاتی می‌خوانند، افزوده می‌شود تا اینکه نوبت به عالمی می‌رسد که از جمع بین اخبار و علاج معارضه بین آن‌ها فتوا به وجوب اخفات می‌دهد و به همین دلیل، مردم به اخفات در نماز روی می‌آورند تا آنجا که روزی می‌رسد که سیره تمام متشرعه، اخفات در نماز می‌شود. این سیره هرگز دلالت نمی‌کند که سیره متشرعه در عصر معصوم هم بر اخفات بوده است، پس اخفات جایز است. مثالی که برای انقلاب و تبدیل تدریجی یک سیره به نقیض آن بیان کردم هیچ غریب نیست و در فقه چنین مواردی را سراغ داریم؛ برای مثال، در مسئله نزح ماء بئر، سیره متشرعان قدیم بر نزح بوده است، لکن به تدریج تبدیل به نقیض آن شده است. مثالی که برای اخفات در نماز ظهر جمعه گفتیم نیز از همین قبیل است.

ثانیاً، بر فرض که انقلاب سیره به ضد آن غریب باشد، لیکن ممکن است که اصلاً در زمان امام(ع) هیچ سیره‌ای بر یکی از دو طرف وجود نداشته است، بلکه حکم آن اختلافی بوده است. سپس علما از اخبار، یکی از دو طرف حکم را برداشت کرده و مردم نیز از آنان تبعیت کرده‌اند. به همین ترتیب، سیره متشرعه محقق شده است. از برخی روایات بر می‌آید که اخفات در نماز ظهر جمعه به همین صورت بوده است؛ یعنی در عصر معصوم تبدیل به سیره نشده بود، بلکه محل اختلاف بود؛ زیرا در روایت آمده که شخصی از امام پرسید: برخی از اصحاب ما قائل به جهر و برخی قائل به اخفات هستند. نظر شما چیست؟

بنابراین، صرف اینکه بینیم سیره بانوان متشرعه بر پوشاندن تمام موهاست و صرف تحقق سیره متشرعه، حجت نخواهد بود؛ بلکه حجیت آن در گرو معاصرش با معصوم است، درحالی‌که معاصرت

این سیره با معصوم محرز نیست. بنابراین معلوم نیست که بانوان عصر معصوم بر وجه وجوب، اهتمام به پوشاندن تمام موهای سر داشته‌اند. چه بسا، آنچه امروز شاهد آن هستیم معلول فتاوا و استنباطات فقهی باشد که رفته‌رفته به شک گسترده، نمود پیدا کرده است.

۶.۲. قاعده اشتغال

ششمین دلیل بر وجوب پوشاندن تمام موها در نماز، تمسک به قاعده اشتغال است. گفته‌اند: «بدون پوشش مو، برائت ذمه حاصل نمی‌شود» (شهید ثانی، روض الجنان، ۲۱۷). بنابراین، اشتغال یقینی مستدعی فراغ یقینی است و فراغ یقینی در گرو نمازخواندن با پوششی است که مو را نیز در بر گیرد. بررسی دلیل ششم: در نقد دلیل مذکور به ذکر دو اشکال بسنده می‌کنیم و آن این است که اولاً، تمسک به اصل عملی در فرض فقدان دلیل اجتهادی است. در جایی که با ادله لفظی مواجه هستیم، موظف به واکاوی مقتضای آن‌ها هستیم و حق رجوع به اصل عملی نداریم؛ ثانیاً، در شبهه حکمیة وجوبیه، اخباریان و اصولیان بالاتفاق برائت را جاری می‌دانند.^۱

۷.۲. اجماع

هفتمین دلیل بر وجوب پوشاندن تمام موها در نماز، تمسک به اجماع است. صاحب ریاض می‌نویسد: «در باره پوشش مو و گردن، گمانم بر اجماعی بودن آن است ... جماعتی از علما، ادعا بر عورت بودن تمام بدن زن بدون استثنای مو و گردن کرده‌اند ... منظور ایشان از بدن، اعم از مو است؛ زیرا صریحاً امثال روسری را به عنوان ساتر مو واجب دانسته‌اند، در حالی که اگر مقصودشان از بدن، غیر از مو بود، امر به لزوم افکندن روسری وجهی نداشت؛ زیرا خود مو ساتر سر بود» (طباطبایی، ۱۳۵/۱). بدین تقریب، ایشان فتاوی فقها مبنی بر عورت بودن تمام بدن زن را به منزله اجماع آنان بر وجوب پوشش مو می‌دانند.

ارزیابی دلیل هفتم: اجماع مذکور اولاً با توجه به مدرکی بودنش فاقد اعتبار است. در جایی که اجماع مدرکی باشد لازم است با مراجعه به ادله، حکم مربوطه استفاده شود؛ ثانیاً، صاحب ریاض سخن از تحقق قطعی اجماع فقها و تصریح آنان به وجوب پوشش مو به میان نمی‌آورد، بلکه صرفاً از پاره‌ای آرا و عبارات فقهی استظهار می‌کند که گویا فقها بر وجوب پوشش مو هم اجماع داشته باشند؛ ثالثاً، بر فرض که صاحب ریاض صریحاً اجماع فقها بر وجوب پوشش مو را نقل می‌کرد، لیکن نظر به اینکه اجماع از ادله لیبی است فاقد اطلاق است تا کسی بخواهد با تمسک به اطلاق آن، وجوب پوشش تمام موهای سر را نتیجه بگیرد.

۱. الشک فی الشبهة الوجوبية... ففيها أيضاً مسائل أربع... والحکم فی الجمیع البراءة وعدم وجوب الاحتیاط، إجماعاً (سبحانی تبریزی، ۱۹۳).

نتیجه‌گیری

فقها راجع به وجوب پوشاندن تمام موهای سر هنگام نماز خواندن زن در خلوت اختلاف نظر دارند. ابن‌جنید معتقد است در جایی که زن در معرض دید نامحرم نیست، نماز خواندنش بدون پوشش سر اشکالی ندارد. برخی فقها نظیر مجلسی دوم و سید محمد سعید حکیم، اصل پوشش مو در نماز را صرفاً بنا بر احتیاط، واجب می‌دانند. ملا احمد نراقی بین موهایی که روی سر قرار دارد و موهایی که از محدوده سر خارج است و به پایین ریخته، تفصیل قائل می‌شود و پوشش موهای دسته دوم را واجب نمی‌داند. آیت‌الله بروجردی و صاحب مفتاح الکرامه نیز همین تفصیل را قائل می‌شوند و وجوب پوشش مو در قسم دوم را صرفاً مطابق احتیاط می‌دانند.

وجود چنین اختلافاتی دلیل بر تحقق عینی همین شکل از اختلافات پیرامون پوشش اجتماعی زن نخواهد بود؛ چراکه تلازمی در این خصوص وجود ندارد. نه تنها دلیلی شرعی یا عقلی مبنی بر وجود ملازمه میان پوشش نمازی زن و پوشش اجتماعی زن وجود ندارد، بلکه بالعکس به نظر می‌رسد تأمل در حکمت پوشش، ذهن را بر تفاوت‌انگاری میان این دو حوزه از پوشش واقف سازد. از این رو، نمی‌توان از وجوب پوشش حداقلی در عرصه‌ای، وجوب پوشش حداقلی در عرصه دیگر را نیز نتیجه گرفت. تأمل در ادله حاکی از آن است که ادله وجوب پوشاندن موهای خارج از محدوده سر هنگام نماز درخور خدشه است. بنابراین، به حکم اطلاق ادله وجوب نماز و بر فرض خدشه در اطلاق، با تمسک به اصل برائت، حکم به عدم وجوب پوشش موهای خارج از محدوده سر می‌شود. در فرض نبود ناظر محترم، هیچ مفسده محتملی برای حکم به لزوم یکسانی پوشش زنان در اجتماع و در خلوت، هنگام نماز و مناجات با پروردگار وجود ندارد.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- اشتهاردی، علی پناه، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- _____، مدارک العروة، تهران: دار الاسوة، ۱۴۱۷ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بروجردی، حسین، تبیان الصلاة، به تقریر علی صافی گلپایگانی، قم: گنج عرفان، ۱۴۲۶ق.
- _____، تقریر بحث السید البروجردی، به تقریر علی پناه اشتهاردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی،

۱۴۱۶ق.

- حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل‌البتیت(ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسینی عاملی، محمدجوادی‌بن محمد، مفتاح‌الکرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- حکیم، محمدسعید، فقه المرأة المسلمة، قم: دار الهلال، ۱۴۲۷ق.
- خویی، ابوالقاسم، المستند فی شرح العروة الوثقی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
- راوندی کاشانی، فضل‌الله‌بن علی، النوادر، قم: دار الکتاب، بی‌تا.
- سبحانی تبریزی، جعفر، الموجز فی أصول الفقه، چاپ چهاردهم، قم: بی‌نا، ۱۳۸۷.
- سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم: المنار، ۱۴۱۳ق.
- شهید اول، محمدبن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامية، چاپ اول، بیروت: دار التراث، ۱۴۱۰ق.
- _____، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، قم: آل‌البتیت(ع)، ۱۴۱۹ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین‌بن علی، الحاشیة الثانية علی الالفیة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- _____، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
- _____، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم: آل‌البتیت(ع)، بی‌تا.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
- صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، قم: بی‌نا، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی، علی‌بن محمد، ریاض المسائل، قم: آل‌البتیت(ع)، بی‌تا.
- طباطبایی قمی، تقی، مبانی منهج الصالحین، قم: قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- _____، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- _____، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- عاملی، محمدبن حسن، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم: آل‌البتیت(ع)، ۱۴۱۹ق.
- علامه حلی، حسن‌بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- فاضل‌هندی، محمدبن حسن، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- قابل، احمد، شریعت عقلانی، سایت شریعت عقلانی، ۱۳۹۲.
- کاشف‌الغطاء، حسن‌بن جعفر، انوار الفقاهة؛ کتاب الصلاة، نجف: کاشف‌الغطاء، بی‌تا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر، ١٤١٠ق.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ١٤٠٦ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، چاپ اول، قم: سید الشهداء (ع)، ١٤٠٧ق.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم: آل البيت (ع)، ١٢٤٧ق.
- _____، کفایة الاحکام، اصفهان: مهدوی، بی تا.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل البيت (ع)، ١٤١٤ق.
- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم: اسماعیلیان، ١٣٧٥.
- موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، بیروت: آل البيت (ع)، ١٤١١ق.
- نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، قم: بی تا، ١٣٧٦.
- _____، کتاب الصلاة، به تقریر محمد علی کاظمی خراسانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١١ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم: آل البيت (ع)، ١٤١٥ق.
- همدانی، رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه الجعفریة لاحیاء التراث و مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٦ق.